

تبیین و تحلیلی از میزان توجه دولتمردان تیموری به حج و حرمین شریفین

سید محمود سامانی^۱

چکیده

مکه مکرمه و مدینه منوره (حرمین شریفین)، به عنوان کانون‌های معنوی و مشروعیت‌زای مسلمانان، همیشه مورد توجه خاص دستگاه خلافت و حکومت‌های دست‌نشانده آن و دولت‌های مقتدر بوده است. این دولت‌ها تلاش مضاعفی برای اعمال نفوذ در حرمین و سیادت بر آن - با به کارگیری ابزارهای مختلف مانند کمک‌های مالی به امیران حرمین و انجام اقدامات رفاهی برای حجاج و زائران مرقد نبوی - داشته‌اند. تیموریان نیز به رغم ناپایداری حکومتشان و همچنین دل‌مشغولی‌های دیگر، نسبت به حج و حرمین شریفین بی‌تفاوت نبودند. تیمور و شاهرخ، از میان امیران تیموری، اهتمام بیشتری به این کانون‌های دینی داشتند. البته سیادت دولت ممالیک بر حرمین شریفین، که نفوذ دیگر دولت‌ها را در حرمین برنمی‌تافت، از عوامل مؤثر و مانعی بر مناسبات تیموریان با حرمین شریفین بود. این نوشتار درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تیموریان به چه میزانی به حج و حرمین شریفین توجه داشتند؟ فرضیه مقاله آن است که تیموریان، در مقایسه با دیگر دولت‌های قدرتمند در ایران توجه چندانی به حرمین نداشتند. برآیند تحقیق حاکی از آن است که از میان امرای تیموری، مؤسس این سلسله، یعنی تیمور و شاهرخ، نسبت به امنیت مسیر حج و ارسال برخی اوقاف و صدقات یا اقداماتی مانند ارسال جامه به کعبه دغدغه داشتند و دیگر امرای تیموری، به دلیل وجود دولت‌های حائل و رقابت و اختلافات داخلی و حملات خارجی، فرصت پرداختن به حج و حرمین را نیافتند.

کلیدواژگان: تیموریان، حج، حرمین شریفین، تیمور، شاهرخ، ممالیک.

۱. عضو گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت (mahmud.samani@gmail.com)

مقدمه

دولت‌های اسلامی هر کدام با انگیزه‌ها و اهداف خاصشان، همت خویش را به کار می‌بستند تا منشأ خدماتی در حریمین شریفین باشند؛ به ویژه دولت‌هایی که مشروعیت لازم را نداشتند یا چنین مشروعیتی برای آنان متصور نبود، برای جلب افکار عمومی به حریمین توجه داشتند.

تیموریان (حک: ۷۷۱-۸۰۷ق.) از این دست دولت‌ها بودند که با قهر و غلبه، بسیاری از دولت‌های محلی پیرامون خود را برچیدند و با دولت‌های مقتدر و ذی‌نفوذ در حریمین نیز به رقابت برخاستند. زمانی که تیموریان به قدرت رسیدند، دولت ممالیک مصر و شام (حک: ۶۴۸-۹۲۳ق.) به مدت چند دهه بر حریمین شریفین سیادت داشت و ضمن تأیید امارت اشراف حسنی و حسینی در مکه مکرمه و مدینه منوره، هر سال کاروانی باشکوه و محمل خاصی، به همراه هدایا و جامه کعبه، به مکه می‌فرستاد. (سیوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱-۱۱۴) این دولت تلاش داشت تا مانع اقدامات دولت‌های دیگر اسلامی در حریمین شریفین شود؛ زیرا نمی‌خواست سیادت و اعمال نفوذش در شهرهای مقدس، که منافع بسیاری برای ممالیک داشت، به خطر افتد؛ چنان‌که با درخواست شاهرخ تیموری برای ارسال جامه کعبه در ابتدا سرسختی نشان دادند. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۶۴) اما گاهی نمی‌توانست جلوی اقدامات دیگر دولت‌ها را در حریمین بگیرد. در ادامه پس از معرفی تیموریان و تاریخ سیاسی این دولت، میزان توجه تیموریان نسبت به حریمین شریفین واکاوی می‌شود.

نویسنده این مقاله اثری با عنوان مقاله حاضر یافت نکرد. از این رو به نظر می‌رسد که پیشینه مستقل و خاصی نداشته باشد؛ هرچند مطالبی جزئی در برخی آثار، مداخل مربوط به حجگزاری در دانشنامه حج و حریمین شریفین، مانند مدخل تیموریان و نیز در کتاب‌هایی مانند مناسبات ایران و حجاز در ادوار مختلف اسلامی

تألیف نگارنده و حج از سقوط حکومت ایلخانی تا پایان حکومت تیموریان اثر مهناز موسوی مقدم آورده شده است. وجه تمایز این مقاله با کارهای انجام شده، جامعیت نسبی آن و تمرکز بر اقدامات حرمینی و مناسبات تیموریان با حجاز است.

معرفی تیموریان

مؤسس سلسله تیموریان، تیمور گورکانی است که با داشتن پایگاه قبیله‌ای در ماوراءالنهر از اوضاع آشفته آنجا، که خاندان‌هایی از مغولان با یکدیگر رقابت داشتند، سود جست (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۳۹۳؛ سمرقندی، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۱۰۱) و با حذف رقیبان، قدرت خود را افزایش داد و دولتی را در سمرقند تأسیس کرد (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۵۸-۱۵۷؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴ش، ص ۶۲).

تیمور در مدتی اندک قلمرو خود را به انگیزه‌هایی چون مشغول ساختن سپاهیان، کسب غنایم، تسلط بر راه‌های تجاری و شهرت طلبی توسعه داد. (رویمر، بی‌تا، ص ۷۹) او با لشکرکشی‌هایی به سمت غرب، توانست به پراکندگی سیاسی در ایران، پس از فروپاشی حکومت ایلخانی، پایان دهد.

در پی مرگ تیمور، شاهرخ، که در هرات بود، به سبب اقتدار و کفایتش توانست بر مدعیان دیگر چیره شود. (شامی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۷۳) او مدت ۳۹ سال، از سال ۸۱۱ تا ۸۵۰ قمری از سرحد چین تا مرز روم و از اقصای ترکستان تا مرز هند فرمان راند. (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵ش، ص ۱-۳۲۰؛ بدلیسی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۷۸؛ ملکم، ۱۳۸۰ش، ص ۳۳۰؛ صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۴۸)

با مرگ شاهرخ، فرزندش الُغ بیگ (۸۵۰-۸۵۳ق.) در سمرقند به تخت نشست. (گرانوفسکی، ۱۳۵۹ش، ص ۲۵۴-۲۵۷) وی در سال ۸۵۳ قمری به دست فرزندش عبداللطیف (۸۵۳-۸۵۴ق.) به قتل رسید. (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۴۲؛ روملو، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۴۶۵؛ راوندی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۳۶۰) از این زمان، افزون بر شدت جنگ میان امرای تیموری و کشته شدن برخی از آنان (همان، ص ۲۵۴-۲۵۷)، تیموریان با حملات

ازبکان از شرق مواجه بودند؛ به گونه‌ای که برخی از امیران تیموری به دست آنان به قتل رسیدند. (صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۵۲۷؛ پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۰ش، ص ۶۴۹) در شمال غرب ایران نیز ترکمانان آق قویونلوها برای آنان دردرساز بودند. (رک: صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۹؛ گرانوفسکی، ۱۳۵۹ش، ص ۲۳۷)

سلطان حسین از دیگر امرای تیموری بود که حدود ۳۸ سال سلطنت کرد و در سال‌های آخر عمر، درحالی‌که بیمار بود، از یک طرف با شورش‌های بی‌پایان پسران خود، و از طرف دیگر با تهاجمات شیبک‌خان از یک مواجه بود.

پس از مرگ سلطان حسین (۹۱۱ق) فرزندش بدیع‌الزمان عهده‌دار حکومت تیموری شد. با پناهندگی وی به شاه اسماعیل (حک: ۹۰۷-۹۳۰ق)، مؤسس سلسله صفویه در سال ۹۱۶ق (حافظ ابرو، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۴۹-۵۰؛ میرخواند، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۴۲) و نیز پناهنده شدن محمد زمان میرزا، آخرین شاهزاده تیموری، به دربار ظهیرالدین بابر تیموری مؤسس دولت بابریان (گورکانیان یا مغولان کبیر) در هند (سال ۹۳۳ق) سلسله تیموریان منقرض شد. البته دولت بابریان، که به تیموریان منسوب بود و با هویتی متمایز از آنان شناخته می‌شود، چند قرن در هند دوام آورد. (راوندی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۳۷۳؛ صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۵، بخش ۱، ص ۴۷)

مناسبات تیموریان با حرمین شریفین

۱. تیمور

تیمور خود را احیاکننده اسلام در سده هشتم می‌دانست (حسینی تربتی، ۱۷۷۳م، ص ۱۷۸-۱۸۰) و نبردهایش را با عنوان جهاد انجام می‌داد. (شامی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۷۱-۲۶۹) تیمور سلاطین ممالیک مصر (حک: ۶۴۸-۹۲۳ق) را، که بر حرمین شریفین سیادت داشتند و حکم امیران این کانون‌های مقدس را تفویض می‌کردند، غلام و غلام‌زاده‌ای بیش نمی‌پنداشت. از نظر او آنان شایستگی سیادت بر حرمین شریفین را نداشتند؛ چنان‌که تیمور در نامه‌ای به بایزید عثمانی (از سلاطین دولت عثمانی) نوشت:

حکام مصر را علی‌الحقیقه استحقاق آن نیست که محل مباحثات توانند بود و نیز ایشان را سلطان‌الحرمین هم نوشتن مناسب و شایسته نمی‌دانیم؛ چه حرم مکه و حرم مدینه اکمل‌ها و مِنَ التَّحِيَّاتِ أَجْمَلُ هاست. چگونه ایشان را سلطان این دو حرم توان خواندن؟! بل به مجاوری و خادمی این دو حرم موصوف داشتن کمال مباحثات و اعظم سعادت ایشان تواند بود. (نویسی، ۱۳۵۶ش، ص ۱۰۸)

تیمور با چنین زمینه‌سازی‌ای می‌خواست اعتبار دولت ممالیک را تا حد یک حکومت منطقه‌ای تابع تنزل داده و خود را به عنوان تنها پشتیبان و حافظ نظامی اسلام و مسلمانان معرفی کند و در حجاز و حرمین شریفین اعمال نفوذ نماید. از این رو پس از آنکه دمشق را فتح کرد، سفیرانی به دربار مصر فرستاد و خواستار بندگی ملک ناصر مملوکی شد؛ وی نیز اظهار اطاعت کرد و سکه و خطبه را در تمام قلمروی خود به نام تیمور کرد و قرار شد باج و خراج سالانه به خزانه تیمور ارسال کند. تیمور نیز برای وی تاج و خلعت و کمر بند مرصع فرستاد و او را از جانب خود، مأمور خدمت حرمین شریفین کرد. (همان، ج ۲، ص ۳۵۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۵-۵۱۴؛ شامی، ۱۳۶۳ش، ص ۲۷۴) از اقدامات تیمور در حج و حرمین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تأمین امنیت در مسیر حج

۱۱۱ تیمور برخی لشکرکشی‌های خود به مناطق مختلف را در راستای امنیت بخشیدن به راه حج و تأمین امنیت کاروان‌های حج اعلام می‌کرد؛ چنان‌که در توجیه لشکرکشی خود به لرستان در سال ۷۸۸ قمری تعرض‌های قوم لُر به حجاج بیت الله الحرام را مطرح کرد و با اطلاع از غارت قوافل حجاز از سوی والی لرستان، لشکری فرستاد و دزدان را به شدت مجازات کرد. (شامی، ۱۳۶۳ش، ص ۹۸ و ۹۹؛ نویسی، ۱۳۵۶ش، ص ۱۰۸) وی همچنین در گزارش اغراق‌آمیزی تمامی اعراب بادیه را، که قاطعان طریق حجاز بودند، به قتل رساند و راه عراق عرب را به حجاز امن کرد. (واله اصفهانی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۹ و ۲۰۰) علت حمله او به آذربایجان نیز امن‌سازی راه حج ذکر شده است

که ادعا شده بود قرایوسف ترکمان به راهزنی و آزار حجاج می‌پرداخت و تیمور در پاسخ دادخواهی عده‌ای این کار را انجام داد. (حسینی تربتی، ص ۱۵۲) اما به نظر می‌رسد تأمین امنیت راه بین‌النهرین و سرکوبی سلطان احمد جلایری را می‌توان هدف اصلی او دانست. (رویمر، بی‌تا، ص ۶۷)

ب) وقف اندخوی

در نزدیکی شهر بلخ (در شمال افغانستان کنونی) جایی به نام «اندخوی» وجود دارد که براساس گزارشی، تیمور بنا به درخواست سید برکه، از سادات و علمای بزرگ دوره تیمور که برخی او را اهل مکه و گروهی نیز اهل مدینه یا مصر دانسته‌اند (ابن عربشاه، ۱۳۳۹، ص ۱۹)، آن را وقف حرمین کرد و سید یاد شده را، که در جریان‌های مختلف سیاسی در این دوره مشارکت داشت، به سرپرستی آن برگزید. سید برکه برای گرفتن درآمد اوقاف حرمین نزد تیمور به ماوراءالنهر آمد. تیمور افزون بر واگذاری اوقاف به او (خواندمیر، ج ۳، ص ۴۱۵ و ۴۱۶)، برکه را در زمره ملازمان خود قرار داد. (شامی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۲) قابل ذکر است که در تمام فرمان‌های دوره تیموری، از ولایت اندخوی به عنوان وقف حرمین یاد شده است که هر ساله کسانی از حرمین برای دریافت آنها می‌آمدند. (اسفزاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۱؛ منشی، ۱۳۵۷، ص ۸۳ و ۸۴)

به رغم آنکه در نبردهای تیمور در خراسان، بعضی از اوقاف مکه، مانند اوقاف حرمین شریفین در شهر زرنج سیستان که عمرولیث صفاری آن را وقف مکه کرده بود، به کلی ویران شد. (لسترنج، ۱۳۶۷، ص ۲-۳۶۱) اما تیمور حتی الامکان به حفظ اوقاف در لشکرکشی‌هایش اهمیت می‌داد؛ چنان‌که پس از فتح دمشق، از تصرف انبار محصول اوقاف حرمین در قلعه آن شهر خودداری کرد و حتی فردی را، که مقداری جو از آنجا برداشته بود، به شدت مجازات کرد و بهای آن را از وی ستاند و همراه محصول تسلیم خدام حرمین کرد. (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۶، ص ۳۷۴؛ شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۲) احتمالاً در نتیجه تلاش‌های تیمور در رد وجوهات و اوقاف به مکه بود که سبب شد در هشتم محرم سال ۸۰۱ قمری، سیدمحمد مدنی،

فرستاده شریف مکه، به دربار او آمد و گفت:

همه در مقام انتظار مترصد و امیدوارند که رایت جهانگشای همای آسای، سایه سعادت بر فرق همگان گسترده و آن مملکت را در پناه حمایت و عنایت خویش در آورد. (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۴۱)

ج) ارسال اموال بی‌صاحب به مکه

تیمور افزون بر فرستادن به موقع عواید اوقاف و وجوهات به مکه، دستور داد تا اموال بی‌صاحب و بی‌وارث را به مکه بفرستند. (حسینی تربتی، ص ۳۵۶-۳۶۰ و ۳۷۲)

د) تبعید راهزنان مسیر حج به بلخ

تیمور پس از فتح شام و مصر، طوایفی که با راهزنی امنیت کاروان‌های حجاج را به مخاطره انداخته بودند، از شام به اطراف بلخ (شمال افغانستان امروزی) تبعید کرد. این طوایف بعدها به نام تیمور «تیموری» معروف شدند. (ر.ک: حداد عادل، ۱۳۷۸ش، ج ۸، ص ۸۲۹) شایان ذکر است که ورود تیمور به سرزمین شام، موجب تعطیلی حج راه شام، به مدت دو یا سه سال، از سال ۸۰۳ تا ۸۰۵ قمری شد. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۲۱-۴۲۳) گفتنی است که در پی پیروزی‌های چشمگیر تیمور، سلطان فرج، پادشاه مملوکی مصر (حک: ۸۰۱ - ۸۱۵ق.) (رویمر، بی‌تا، ص ۸۸)، با تیمور روابط دوستانه‌ای برقرار کرد و دستور داد تا به نام او، افزون بر شام در مصر نیز خطبه خوانده شده و سکه ضرب کنند. (میرخواند، ۱۳۸۰ش، ص ۶۵۶-۶۵۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۵۱۴) تیمور به رغم چنین موقعیتی که آن را در سایه نبوغ نظامی خویش به دست آورده بود، بنا به دلایلی نتوانست بر حجاز سیادت داشته باشد.

ه) تجهیز کاروان حج از بغداد

بنا به گزارشی، در ۱۶ ذی‌القعدة سال ۸۰۷ قمری در حجاز شایع شد که محمل عراقی همراه پسر تیمور، بالشکری در حال ورود به حجاز هستند. از این رو امیر مکه، شریف حسن بن عجلان (حک: ۷۹۸-۸۲۹ق.)، برای استقبال این محمل

آماده شد؛ اما مشخص شد که تیمور کاروان کوچکی از بغداد تجهیز کرده و بدون همراهی سپاه است. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۴۹)

با مرگ تیمور، جانشینان وی، به دلیل درگیری بر سر جانشینی، نتوانستند از موقعیت به دست آمده بهره برند و جایگاه خود را در جهان اسلام، همانند تیمور، حفظ کنند. البته از میان تیموریان تنها شاهرخ توانست با حجاز و حرمین مرتبط باشد و از ارتباط دیگر امرای تیموری اطلاعات اندکی در دست است.

۲. شاهرخ

از میان امرای تیموری، شاهرخ به حرمین و حجاج توجه بیشتری داشت که از دلایل آن می‌توان به آرامش نسبی در حکومت وی، قدرتمندی و مناسبات حسنه با دولت ممالیک مصر در برهه‌ای اشاره کرد. اقدامات شاهرخ در حرمین عبارتند از:

الف) مکاتبه با سلطان مصر برای مجازات راهزنان حج

شاهرخ طی نامه‌ای که در سال ۸۴۳ قمری برای سلطان مصر ملک اشرف، نوشت، ضمن انعکاس دادخواهی جمعی از تاجران و حاجیان نواحی اردبیل و گیلان که در مسیر حج شام، مورد حمله راهزنان قرار گرفته بودند، از دولت مصر خواست تا پس از تحقیق، در صورت صحت موضوع یاد شده، خود به این موضوع رسیدگی کند و ضمن استرداد اموال حاجیان، راهزنان را به عقوبت برساند. (نوایی، ۱۳۵۶ش، ص ۱۴۶-۱۴۹) قابل یادآوری است که شاهرخ برای تحقیق درباره صحت و سقم غارت کاروان حجاج ایرانی، برخی معتمدان خود را نزد پادشاه مصر فرستاد. این گزارش مؤید عزیمت برخی از کاروان حاجیان ایرانی از طریق شام است. البته در برخی از سال‌های حکومت شاهرخ، که او در شمال غرب ایران به نبرد با ترکمانان مشغول بود، حج تعطیل شد. (جزیری، ۱۳۸۴، ص ۳۲۱؛ نوایی، ۱۳۵۶ش، ص ۱۴۶-۱۴۹)

شاهرخ علت لشکرکشی خود به آذربایجان علیه قرایوسف ترکمان را مسدود شدن راه حج و تعطیلی آن عنوان کرد. (نوایی، ۱۳۵۶ش، ص ۱۴۶-۱۴۹)

ب) فرستادن جامه کعبه

شاید مهم‌ترین اقدام شاهرخ درباره حرمین، فرستادن جامه کعبه باشد؛ زیرا وی برای محقق ساختن این آرزو و نذری که کرده بود، تلاش‌های بسیاری کرد و صبر و حوصله فراوانی از خود نشان داد؛ چراکه تهیه و ارسال پرده کعبه تا آن زمان در انحصار سلاطین مصر بود و آنها نمی‌خواستند این افتخار را، که موجب مشروعیت و محبوبیت نزد مسلمانان است، نصیب دولت دیگری کنند و افتخار تهیه پوشش کعبه را، که به طور سنتی بر عهده مصریان بود، از دست بدهند.

شاهرخ زمانی به فکر مکاتبه با دولت ممالیک و زمینه‌سازی برای مطرح کردن ارسال جامه کعبه افتاد که میان ممالیک نزاع درگرفته بود و مصر در وضعیت بحرانی قرار داشت. این دولت از لحاظ اقتصادی به شدت دچار مشکل بود و افزون بر آن، با مشکلات عدیده سیاسی نیز مواجه بود. این همان دوره‌ای است که شبارو آن را عصر درگیری میان امیران مملوک دانسته است. (شبارو، ۱۳۸۰ش، ص ۷-۱۰۶) این درحالی بود که شاهرخ قدرت و نفوذ قابل ملاحظه‌ای در منطقه داشت. در چنین وضعیتی پاسخ دولتمردان مملوکی مصر به سفیر شاهرخ، که موضوع جامه پوشانیدن به کعبه را نیز مطرح نساخته بود، محترمانه بود و آنان نسبت به شاهرخ اظهار اطاعت کردند. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۷۹۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۶۵) اما پس از آنکه در سال ۸۲۵ قمری امیر برسبای (م. ۸۴۱ق.) با لقب ملک اشرف بر تخت نشست، وی سیاست خصمانه‌ای با تیموریان در پیش گرفت. ظاهراً او از نزدیک شدن شاهرخ به قلمرو خود و تحریکات احتمالی وی در منطقه هراس داشت (تتوی و قزوینی، ج ۸، ص ۵۱۸۶). به همین دلیل، اسکندر بن قرایوسف را تحت‌الحمايه خویش قرار داد. وی به نام ملک مصر خطبه خواند و سکه زد. همچنین مناطق غربی ایران را ناامن کرده و به شیراز حمله برد و سر حاکم آنجا و سلطانیه را به مصر فرستاد. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۶۳) ملک اشرف همچنین با امیر حسن عجلان، والی مکه، که با شاهرخ روابط حسنه داشت، به خصومت برخاست و او را از امارت برکنار کرد. (همان، ج ۷، ص ۸۷)

مطابق برخی گزارش‌ها شاهرخ در این راستا چند بار به مکاتبه با سلطان مصر، ملک اشرف برسبای (حک: ۸۲۵-۸۴۲ق.) پرداخت (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۳۶۴) تا اجازه و نظر او را برای فرستادن جامه کعبه جلب کند؛ اما سلطان مصر هر بار در پاسخ، انحصار این امر را به مصریان یاد آور می‌شد و تهیه جامه کعبه را مختص آنان می‌دانست. منابع از مکاتبات این دو سلطان یاد کرده‌اند. وی حتی یک بار نمایندگان شاهرخ را از مصر اخراج کرد. (همان) به نقل منابع، سلطان مصر پس از رسیدن نامه شاهرخ، نظر قاضیان را درباره نذر شاهرخ جویا شد که نظر قاضی القضاة، عدم موافقت با آن بود. (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۵، ص ۵۰)

شاهرخ در نامه‌ای دیگر ضمن نکوهش و اعتراض به سلطان مصر، برسبای مملوکی، برای اخذ رشوه از قضاة و اخذ مالیات (عشور) از تجار بندر جدده (جزیری، ۱۴۲۲ق، ص ۴۵۴)، او را تهدید کرد و از سفرش برای زیارت بیت المقدس خبر داد؛ اما سلطان مصر به نامه شاهرخ اعتنایی نکرد. (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۵، ص ۵۰) از این گزارش‌ها بر می‌آید تا زمانی که ملک اشرف در قید حیات بود، با درخواست شاهرخ برای ارسال جامه کعبه موافقت صورت نگرفته بود.

شاهرخ با مرگ ملک برسبای در سال ۸۴۱ قمری و روی کار آمدن سلطان جدید مصر، در صدد بهبود روابط با مصر بر آمد و ملک ظاهر چقمق (حک: ۸۴۲-۸۵۷ق.) نیز از آن استقبال کرد. (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۶۳۲؛ جامع مفیدی، ج ۳، ص ۱۵۶؛ ابن تغری بردی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۵، ص ۵۲، ۳۶۴-۳۶۵) بدین ترتیب زمینه ارسال پرده کعبه توسط شاهرخ فراهم شد. (خلد برین، ص ۴۸۵-۴۸۶؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۵۶؛ ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۳۹)

مطابق اخباری، شاهرخ در سال ۸۴۳ قمری سفیری به نام سید شمس‌الدین محمد زمزمی را به مصر اعزام کرد تا درخواست خود را برای زیارت خانه خدا و تهیه جامه کعبه با سلطان مصر ملک ظاهر در میان بگذارد. ملک ظاهر در پاسخ شاهرخ، ضمن فرستادن هدایایی، او را منخیر کرد تا هر زمان که مایل باشد، حج انجام دهد. برخی

درخواست شاهرخ و موافقت سلطان مصر را در سال ۸۴۵ قمری دانسته‌اند. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۳) در پی آن شاهرخ در سال ۸۴۷ قمری قصد سفر حج کرد؛ اما به دلیل بیماری نتوانست سفر حج انجام دهد. البته به دستور او جامه کعبه را، که در شهر یزد تهیه شده بود، توسط هیئتی از بزرگان دولت تیموری به مصر فرستاد. (میرخواند، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۱۶۹-۱۱۷۰ و ۷۲۱-۷۲۵ و ج ۲، ص ۶۳۲) سلطان مصر در حدود مرز شام با مصر به استقبال جامه و سفرای شاهرخ رفت. برخی منابع از دستگیری هیئت اعزامی از سوی شاهرخ در مصر خبر داده‌اند که به دنبال شایعه‌ای مبنی بر نارضایتی سلطان مصر از آنان صورت گرفت. این موضوع سبب شد همه اموال و دارایی‌های فرستادگان شاهرخ، به جز صندوق جامه کعبه، غارت شود. سلطان مصر ضمن عذرخواهی از سفرا، مبلغی در اختیارشان قرار داد تا وسایل سفر تهیه کنند و آنان را به مکه فرستاد. سرانجام نمایندگان شاهرخ ضمن به جا آوردن مناسک حج، جامه کعبه را برقامت آن پوشاندند و به خراسان برگشتند؛ بدین ترتیب برای نخستین بار جامه‌ای بافته شده در ایران بر خانه خدا پوشانده شد. (سمرقندی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۷۹۱-۷۹۳ و ۸۳۴-۸۳۷) این اقدام شاهرخ، که در سال ۸۴۸ قمری و در شب عید قربان انجام، و جامه بر قامت کعبه پوشانده شد (ابن فهد مکی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۳۸)، در تاریخ بازتاب زیادی داشته است.

ج) ارسال صدقات به اهل حرمین

شاهرخ در کنار ارسال جامه کعبه، صدقات بسیاری نیز برای توزیع در میان ساکنان مکه و مدینه فرستاد. (کردی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۵۶۰)

د) ارسال درآمد اوقاف حرمین

در سال ۸۵۰ قمری از سوی شرفای مکه نماینده‌ای برای دریافت وجوهات حاصل از اوقاف اختصاص یافته به حرمین توسط تیموریان، به دربار شاهرخ آمد. این امیر تیموری سفیری به مصر فرستاد و ارسال عایدات اوقاف را از سوی خودش به اطلاع آنان رسانید. او همچنین نامه‌ای در این باره به عربی نوشت و مهر خود را

روی آن زد و قصد داشت بسیار شاهانه و با عظمت تمام و به گونه‌ای که نمایانگر قدرت او باشد، ارسال کند. البته این نامه ارسال نشد. (سمرقندی، ج ۲، ص ۹-۸۶۸)

هـ) تصمیم برای جاری ساختن آب در مکه

شاهرخ از دولت ممالیک مصر خواستار جاری کردن آب در مکه شد؛ اما سلطان مصر، به رغم احتیاج مردم مکه به آب، موافقت نکرد. (ابن ایاس، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۱۲۷؛ مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۰۱) به رغم آن، گزارش‌هایی حاکی از آن است که مناسبات شاهرخ با اشراف حجاز دوستانه بود. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۵۶۴ و ج ۲، ص ۷۷۸) چنان‌که شریف حسن بن عجلان (م. ۷۷۷ق.) امیر مکه در سال ۸۱۷ و ۸۲۴ قمری سفیرانی نزد شاهرخ فرستاد و او «وظایف دعای دولت و اخلاص و مراتب بندگی را به عرض رسانید». (حافظ ابرو، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۵۶۴-۵ و ج ۲، ص ۷۷۸)

۳. دیگر امرای تیموری و حرمین

در پی درگذشت شاهرخ، قلمروی تیموریان دوباره بحرانی و متشنج شد و جانشینان وی تنها بر قسمت‌های شرقی ایران تسلط داشتند؛ زیرا به موازات کشمکش‌هایی که میان خاندان تیموری وجود داشت، ترکمانان آق قویونلو (حک: ۸۷۲-۹۰۸ق.) و قره قویونلو (حک: ۸۱۰-۸۷۳ق.) در شمال غرب ایران در صدد تشکیل حکومت مستقل برآمدند و از اطاعت جانشینان تیمور سربرداشتند. (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۵۹ش، ص ۲۳۹) بدین ترتیب ایران به دو بخش شرقی تحت تسلط تیموریان و بخش غربی در اختیار ترکمانان درآمد. در چنین فضایی مشخص بود که تیموریان نتوانند با حجاز ارتباط برقرار کنند؛ زیرا اولاً دولت‌های حائل جدیدی مانند آق قویونلوها و قره قویونلوها در غرب قلمروی قبلی تیموریان روی کار آمده بودند و ثانیاً در این زمان دولت ممالیک مصر نیز روابط حسنه‌ای با امرای تیموری نداشتند. از این رو ارتباط تیموریان با حجاز به نازل‌ترین حد خود رسید. البته مطابق گزارشی، در حکومت سلطان حسین بایقرا (حک: ۸۷۵-۹۱۱ق.) هر سال مسئولانی

از مکه و مدینه برای جمع‌آوری درآمد اوقاف به بلخ، که مرکزیت داشت، می‌آمدند. (بخارایی، ۱۳۷۷ش، ص ۲۰۶) همچنین این سلطان تیموری، فرمانی درباره تولید خواجه کمال‌الدین حسین بر موقوفات حرمین شریفین در خراسان صادر کرد.

همچنین پس از تیمور، دیگر امیران سلسله تیموری هر سال احکام و فرمان‌هایی در ارسال وجوهات و نذورات به حرمین صادر می‌کردند و متولی موقوفات را نیز از میان علمای دربار برمی‌گزیدند. در اواخر دوره تیموری، که حکومت آنها محدود به شرق ایران شده بود، دیگر شاهان تیموری در امور حج و حرمین به طور مستقیم با شرفای مکه مکاتبه نمی‌کردند و ارتباط با شرفای مکه و ممالیک با واسطه ترکمانان - که بر راه‌های منتهی به حرمین از ایران و عراق تسلط داشتند - برقرار می‌شد. (رک: منشی، ۱۳۵۷، ص ۵-۸۴) در چنین فضایی مشخص بود که تیموریان نتوانند با حجاز ارتباط برقرار کنند؛ زیرا افزون بر آنکه دولت‌های حائل جدیدی مانند آق قویونلوها و قره قویونلوها در نیمه غربی ایران روی کار آمده بودند، دولت ممالیک مصر نیز روابط حسنه‌ای با تیموریان نداشت. از این رو ارتباط تیموریان با حجاز به پایین‌ترین سطح خود رسید. (سامانی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲)

۴. علل ارتباط محدود تیموریان با حرمین

از دلایل ارتباط محدود تیموریان با حرمین و اشراف حاکم بر آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) توسعه‌طلبی تیمور

تیمور پس از قدرتگیری در سمرقند، بیشتر عمر خود را صرف توسعه‌طلبی ارضی و کشورگشایی کرد و حتی توفیق حج‌گزاری نیافت. وی حملاتی به غرب، از جمله ایران، ترتیب داد که تحت عنوان یورش سه ساله (۷۸۸-۷۹۰ق)، پنج ساله (۷۹۴-۷۹۹ق) و هفت ساله (۷۹۲-۸۰۷ق) مشهور است. (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۳۹۶؛ رویمر، بی‌تا، ص ۶۰) این حملات و نیز حمله او به هندوستان، محدوده قلمروی

او را از آسیای میانه و ماوراءالنهر، تا سواحل دریای مدیترانه و نیز تا مسکو و هند (۸۰۰ق) گسترش داد. (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۷۴) از مهم‌ترین نبردهای او شکست با یزید سلطان عثمانی و اسارت وی در سال ۸۰۴ قمری است. (علامی، ۱۳۸۵ش، ص ۶۰۲؛ رویمر، بی‌تا، ص ۸۸) سرانجام تیمور در لشکرکشی به چین در نزدیکی شهر اُترار در سال ۸۰۷ هجری درگذشت و نتوانست به این آرزوی خود جامه عمل بپوشاند. (ابن عربشاه، ۲۰۰۸م، ص ۲۳۷؛ شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۸۱)

ب) رقابت و نزاع میان تیموریان

جانشینان و درباریان تیموری، به ویژه پس از مرگ شاهرخ، به رقابت با یکدیگر روی آوردند که این اختلافات داخلی بر سر قدرت، مانع توجه این دولت به مسائل خارجی، از جمله روابط با حجاز و حرمین شریفین می‌شد. (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۴۲؛ روملو، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۴۶۵؛ راوندی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۳۶۰) قبل از شاهرخ نیز مرگ تیمور، سرآغاز ضعف حکومت تیموری شد؛ زیرا میان فرزندانش پیرمحمد جهانگیر، ولیعهد تیمور، شاهرخ و خلیل سلطان فرزند میرانشاه (نوه تیمور) نزاع‌هایی درگرفت. (شامی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۷۳)

ج) مانع‌تراشی دولت ممالیک

سلاطین مملوکی مصر عامل مؤثر خارجی در روابط تیموریان با حجاز بودند؛ زیرا این دولت از نفوذ تیموریان در حرمین، که موقعیت آنان را در این کانون‌های مقدس به خطر می‌انداختند، واهمه داشتند و حتی الامکان مانع اقدامات تیموریان در حرمین می‌شدند؛ زیرا چنین اقداماتی می‌توانست موجب نفوذ آنها در حرمین شده و موقعیت ممالیک را تضعیف کند؛ چنان‌که با درخواست شاهرخ تیموری (حک): ۸۰۷-۸۵۰ق). برای ارسال جامه کعبه در ابتدا سرسختی نشان دادند. (خواندمیر، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۳۶۴) البته همان‌گونه که اشاره شد، تیمور با توجه به اقتدارش از دیگر تیموریان استثناست.

د) دلمشغولی نسبت به هجوم ازبکان

تیموریان در اواخر حکومتشان با هجوم ازبکان از ماوراءالنهر به قلمروی خود مواجه شدند و سال‌ها ضمن درگیری داخلی، با توسعه‌طلبی ازبکان دست و پنجه نرم می‌کردند که نهایتاً نیز بخش اعظمی از قلمروی آنان به دست ازبکان افتاد. (صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۵۲۷؛ پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۰ش، ص ۶۴۹)

نتیجه

از بررسی مناسبات تیموریان با حج و حرمین شریفین، روشن شد که آنان به سبب دلمشغولی‌های فراوان داخلی و خارجی نتوانستند ارتباط چندانی با حجاز برقرار سازند. تیمور، به عنوان نخستین و قدرتمندترین امیر تیموری، بیشتر حکومت خود را در نبردها و فتوحات سپری کرد و تنها توانست اقداماتی برای امنیت مسیر حج و ارسال عایدات اوقاف به حرمین انجام دهد.

از میان امرای تیموری، شاهرخ بیشترین توجه را به حج و حرمین داشت. همو بود که پس از تلاش‌های بسیار، با جلب رضایت دولت ممالیک در مصر و شام، توانست جامه کعبه را، که در یزد بافته شده بود، به مکه ارسال کند. دیگر امیران تیموری پس از شاهرخ، به سبب ضعف و درگیری‌های داخلی و تهدیدهای ازبکان و نیز سیادت دولت ممالیک بر حرمین شریفین، که به راحتی اقدامات و خدمات دیگر دولت‌های رقیب را در آن کانون‌های معنوی بر نمی‌تافتند، نتوانستند به حرمین توجه داشته باشند. البته در حکومت سلطان حسین بایقرا، نمایندگانی از حرمین برای جمع‌آوری درآمد اوقاف به مرکز حکومت تیموریان می‌آمدند. همچنین این سلطان تیموری، فرمانی درباره تولیت خواجه کمال‌الدین حسین بر موقوفات حرمین شریفین در خراسان صادر کرد.

منابع

۱. ابن ایاس، محمد بن احمد، (۱۴۰۲ق) بدائع الزهور فی وقایع الدهور، مصحح: محمد مصطفی، قاهره، مرکز تحقیق التراث، الهيئة المصریه.
۲. ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی، (۱۳۹۲ق)، النجوم الزاهرة، قاهره، به کوشش شلتوت و دیگران، وزارة الثقافة و الارشاد القومی.
۳. ابن عربشاه، احمد بن محمد، (۲۰۰۸م)، عجائب المقدور فی اخبار تیمور، به کوشش زکار، دمشق، التکوین.
۴. ابن فهد، عمر بن محمد، (۱۴۰۸ق)، اتحاف الوری، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعه ام القرى.
۵. اسفزاری، معین‌الدین بن محمد، **روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات**، مصحح: سیدمحمدکاظم امام، تهران، دانشگاه تهران.
۶. بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، (۱۳۷۷ش)، **شرفنامه تاریخ مفصل کردستان**، به کوشش ولادیمیر ولیامینوف، تهران، اساطیر.
۷. پیرنیا و اقبال، عباس، (۱۳۸۰ش) **تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه**، تهران، خیام.
۸. جزیری، عبدالقادر بن محمد، (۱۴۲۲ق) **الدررالفرائد المنظمه فی اخبار الحاج و طریق المکه المعظمه**، به کوشش محمد حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، (۱۳۸۰ش)، **زبده التواریخ**، به کوشش حاج‌سیدجوادی، تهران، وزارت ارشاد.
۱۰. حداد عادل، غلامعلی و دیگران، (۱۳۷۸ش) **دانشنامه جهان اسلام**، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۱۱. حسینی تربتی، ابوطالب، (۱۷۷۳م) **تزوکات تیموری**، تهران، اسدی، چاپ افسر، آکسفورد.
۱۲. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰ش)، **تاریخ حبیب‌السیر**، به کوشش سیاقی، خیام.
۱۳. راوندی، مرتضی، (۱۳۸۲ش) **تاریخ اجتماعی ایران**، تهران، نگاه.
۱۴. روملو، حسن، (۱۳۸۴ش) **احسن التواریخ**، به کوشش نوایی، تهران، اساطیر.
۱۵. رویمر، هانس روبرت و دیگران، **تاریخ ایران دوره تیموریان (به روایت کمبریج)**، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، چاپ سوم.
۱۶. سایکس، پرسى مولزورث (۱۳۸۰ش)، **تاریخ ایران**، ترجمه فخر داعی گیلانی، تهران، افسون.

۱۷. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، (۱۴۱۸ق) **حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة**، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۸. شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین (۱۳۸۳ش)، **احیاء الملوك (تاریخ سیستان)**، به کوشش ستوده، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۹. شبارو، عصام محمد، (۱۳۸۰ش) **دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در اسلام**، ترجمه شهلا بختیاری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۰. شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۷ش)، **ظفرنامه**، به کوشش نوایی و میرمحمد صادق، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۱. شمس بخارایی، (۱۳۷۷ش) **تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر**، به کوشش عشیق، تهران، میراث مکتوب.
۲۲. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۸ش) **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران، فردوس.
۲۳. عبدالرزاق سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۸۳ش)، **مطلع سعدین و مجمع بحرین**، به کوشش نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۴. علامی، ابوالفضل بن مبارک، (۱۳۸۵ش)، **اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند**، به کوشش طباطبایی مجد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۵. فوروکاوا، نوبویوشی، (۱۳۸۴ش) **سفرنامه فوروکاوا**، ترجمه: هاشم رجبزاده، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۶. کردی، محمدطاهر بن عبدالقادر، (۱۴۲۰ق) **التاریخ القویم**، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر.
۲۷. گرانوفسکی، ادوین آرویدویچ و دیگران، (۱۳۵۹ش) **تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز**، ترجمه کیخسرو کشاورز، تهران، پیش.
۲۸. لسترنیج، گای، (۱۳۶۷) **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۲۹. مستوفی بافقی، محمد مفید بن محمود، (۱۳۸۵ش)، **جامع مفیدی**، به کوشش افشار، تهران، اساطیر.
۳۰. مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۱۸ق)، **السلوک لمعرفة دول الملوك**، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۱. ملکم، جان، (۱۳۸۰ش)، **تاریخ کامل ایران**، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، افسون.
۳۲. منشی، شهاب‌الدین احمد، (۱۳۷۵) **منشاء الانشاء**، به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ، تهران، دانشگاه ملی ایران.
۳۳. میرخواند، محمد بن خاوند شاه،

(۱۳۸۰ش)، تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبياء و الملوك و الخلفاء، به کوشش کیانفر، تهران، اساطیر.

۳۴. نظام‌الدین شامی، عبدالواسع (۱۳۶۳ش)، ظفرنامه تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی، به کوشش پناهی سمنانی، تهران، بامداد.

۳۵. نوایی، عبدالحسین، (۱۳۵۶ش) اسناد و

مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۶. واله اصفهانی قزوینی، محمدیوسف، (۱۳۷۹ش) خلدبرین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)، به کوشش هاشم میرمحدث، تهران، میراث مکتوب.